

تاریخ تفتیش

در تاریخ‌نگاری رسم بر این است که بیش از همه فتوحات و سلسله‌های قدرت در مرکز روایت قرار دارند و وقایع‌نگاری تاریخی بر اساس برجسته‌ترین ماجراها به ثبت می‌رسد که بر زندگی مردمان یک کشور یا حتی جهان تأثیر بسزایی گذاشته، واقعیتی همچون جنگ‌های جهانی یا داخلی و تغییرات اساسی سه سرنوشت مردم جهان را یکسر دگرگون کرده است. در این میانه رویکرد دیگری هم در تاریخ‌نگاری وجود دارد که آن، روایت تاریخ بر اساس زندگی مردمان عادی است که زمینه و زمانه هر دگرگونی سیاسی و اقتصادی و فرهنگی را با جزئیات بیشتر تصویر می‌کند و چه‌سبا دلایل بیشتری برای درک اوضاع و احوال حاکم بر یک دوران تاریخی به دست دهد. از جمله این‌دست تاریخ‌نگاری‌ها، روایت جیمز ام اندرسون از دورانی در اسپانیا است که در کتابی با عنوان «زندگی روزمره در اسپانیای دوره تفتیش عقاید» آن را واکاوی می‌کند و به معرض دید می‌گذارد. این کتاب که اخیرا در نشر نگاه با ترجمه سعید درودی منتشر شده است، اطلاعات جذاب و خواندنی و در مواردی باورنکردنی از تکه‌ای از تاریخ اسپانیا و اروپا ارائه می‌دهد.

سه قرن و نیم تاریخ اسپانیا درگیر پدیده‌ای مخوف به نام «دیوان تفتیش عقاید اسپانیا»

بود که این کشور را در تاریکی فرو برده بود. در این دیوان، مسیحی و غیرمسیحی و مسلمان و یهودی و هر آن‌کس را که عقیده‌ای داشت به آوارگی کشانده بود. قوانین حاکم بر دیوان در نهادهی مخوف با قدرتی بی حد وضع می‌شد و به اجرا درمی‌آمد. اما مؤلف «زندگی روزمره در اسپانیای دوره تفتیش عقاید» به‌جای پرداختن مستقیم به سازوکار دیوان تفتیش عقاید، سراغ روزمره طبقات مختلف جامعه اسپانیا می‌رود تا تصویری کامل از دوران موسوم به تفتیش عقاید در اسپانیا ترسیم کند. جیمز ام اندرسون، برای واکاوی جامعه اسپانیای آن دوران سراغ جنبه‌های مختلف زیست جامعه می‌رود از گرایش‌های مذهبی مردم تا اخلاقیات و نحوه معاش و رویارویی مردم با دیوان تفتیش عقاید. از خلال این روایت‌هاست که اندرسون تصویری منسجم و دقیق از زندگی روزمره مردمان اسپانیا و اروپا در آن دوران می‌سازد؛ دورانی که می‌توان آن را مهم‌ترین دوران برای کل اروپا خواند.

چنان‌که در کتاب آمده دیوان تفتیش عقاید اسپانیا در سال ۱۴۷۸ تأسیس و سال ۱۸۳۴ برچیده شد. این دوران طولانی حدود سه و نیم قرن از تاریخ اسپانیا را دربر می‌گیرد و طی آن، این کشور از شرایط «قرون وسطایی» بیرون آمد و به «دوران مدرن» قدم گذاشت و

زیادی تغییر می‌کند. در این شرایط نیت مؤلف تابعی از واقعیت عینی می‌شود، بالزاک سلطنت‌طلب چنان

بازتاب را بازتاب می‌دهد که شاخص‌ترین چهره ادبی رئالیسم می‌شود و فریدریش انگلس، همکار و همفکر مارکس او را بر زوایا سوسیالیست ترجیح می‌دهد و در مقامی بالاتر از فلوربر قرار می‌دهد. قرن نوزده را به یک تعبیر می‌توان قرن «بازتاب‌ها» نامید. «بازتاب‌ها» به‌ویژه در فرانسهٔ آن زمان از اهمیت بیشتری برخوردار می‌شوند چون سیر اتفاقات در فرانسهٔ قرن نوزده به‌قدری وسیع و با «دور تند» اتفاق می‌افتد که ذهن نویسنده همچون تماشاگر فیلمی اکشن معطوف به همه آن اتفاقاتی می‌شود که در اطرافش در حال وقوع است. در

این شرایط کارکرد ذهن و خیال‌بندی پیرامون موضوع به حداقل ممکن می‌رسد. با این حال نویسنده «واقع‌گرا» می‌کوشد جهان پیرامون را در قالب رابطه متقابل میان آدم‌های داستانی و اطراف به نمایش در آورد. ایده رئالیستی در ادبیات با همان تصویری که خواننده از رئالیسم در ذهن خود می‌پروراند در زمانه بازتاب‌ها رخ می‌دهد. در این زمان فرض بر آن است که واقعیتی مستقل از ذهن ما وجود دارد که تنها همان معیار متن ادبی-درست‌بودن و یا نادرست‌بودن آن- قرار می‌گیرد. در اینجا واقعیت خود گویای همه‌چیز است و نویسنده رئالیستی برخلاف نویسنده رمانتیک در موقعیتی پایین‌تر از واقعیت قرار می‌گیرد. او دیگر مجاز به انجام هر کاری نخواهد بود. رئالیست‌ها شامل گروهی معین نیستند، بلکه طیف وسیعی از نویسندگان را شامل می‌شوند که هر یک ادعای رئالیستی‌بودن دارند. آنان گرچه در ادعای خود صادق اند اما تنها بخشی از واقعیت را می‌توانند انعکاس دهند. بعضی از رئالیست‌ها متن‌های خود را بر شخصیت و بعضی دیگر بر «نیت» متمرکز می‌کنند، این به نگاه فلسفی آنان مرتبط است، شخصیت‌پردازی و یا تیپ‌پردازی به دو سنت رئالیستی مهم

ارتباط پیدا می‌کند. مثلا لوکاج مهم‌ترین ایده‌پرداز رئالستی به واقعیت بعدی اجتماعی می‌دهد و تنها تیپ‌ها (طبقات) اجتماعی بالنده را مستعد درکی درست از واقعیت تلقی می‌کند و تیپ‌های غیربالنده را ایده‌الیستی و غیرواقع‌گرا معرفی می‌کند. آنتول فرانس اگرچه در زمره نویسندگان رئالیستی قرار می‌گیرد اما در میان رئالیست‌ها، واقعیت را طور دیگری بازتاب می‌دهد، به‌طوری‌که به اصل ماجرا-واقعیّت- لطمه وارد نکند. او نمایش زیبایی‌شناسانه واقعیت و با به بیانی دیگر شکل‌دهندهٔ هر چیزی را با زبانی صریح همراه با «تردید» درهم می‌آمیزد و در همان حال به مهم‌ترین مسئله جامعه‌خود واکنش نشان می‌دهد. مهم‌ترین مسئله در آن زمان انقلاب و تحولات بعد از آن است. «خدایان تشنه‌اند» از جمله رمان‌های آنتول فرانس در این‌باره است. این رمان حول «شخصیت» جوان نقاشی به نام اوارست کاملن شکل می‌گیرد که سخت متأثر از رهبران زاکوپنی انقلاب فرانسه به‌ویژه دو رهبر شاخص آن مارا و روبسیپر است -دو رهبری که به فاصله یک سال از یکدیگر به قتل می‌رسند: مارا در ژوئیه ۱۷۹۳ در حمام با دشنه ترور می‌شود و روبسیپر در ژوئیه ۱۷۹۴ به گیوتین سپرده می‌شود- اما کاملن خود نیز پدیده‌ای قابل‌تامل است. او که شخصیتی آرمانگرا است، با وفاداری خویش به آرمان‌های زاکوپنی به مقامی بالا می‌رسد و عضو هیئت‌منصفه دادگاه می‌شود. جایی که گیوتین واقعیتی است و به تصویری عرفانی از مجازات بدل می‌شود. آنچه در شخصیت کاملن وجود دارد باور او به آن چیزی است که آن را واقعیت می‌پندارد اما «دور تند» وقایع چنان است که «واقعیت» از «تصور واقعیت» که کاملن در ذهن دارد و آن را آرمان خود تلقی می‌کند، پیشی می‌گیرد. نام رمان «خدایان تشنه‌اند» «les dieux ont soif» قابل‌تامل است. منظور از خدایان، رب‌النعوم‌های یونانی‌اند که هریک از آن خدایان رب‌النعوم عشق، قدرت، زیبایی، خشم و… دیگر صفات بنیادی آدمی‌اند که آدمی در ذهن خود برای خدایان قائل می‌شود و به‌تدریج باورهای خود را عین حقیقت می‌پندارد و به آنها باورمند می‌شود. با رمان آنتول فرانس درمی‌یابیم که خدایان در سیر تطور خود از خدایان یونانی به پدیده‌های متأخری به نام «آرمان‌ها» استحاله پیدا می‌کنند. آنچه مهم است آن است که به تعداد واقعیت‌ها، آرمان ساخته‌وپوراخته می‌شود. آرمانی که آنتول فرانس در «خدایان تشنه‌اند» ارائه می‌دهد آرمانی است که گویا به‌واسطه آن می‌توان بر خرابه‌های دنیای کهن جهانی تازه برپا کرد. کاری که کاملن و رهبران زاکوپنی انجام می‌دهند. کاملن در «خدایان تشنه‌اند» به فرایند آرمانی ساختن واقعیت می‌پردازد. به نظر آنتول فرانس این فرایند کوششی تماما ذهنی است؛ به این معنا که آدمی از باورها و ایده‌آل‌های‌خود به چیزها و یا همان واقعیت‌ها می‌دهد و به‌تدریج طی روندی «سوزژه‌محو» -ذهنی- همان چیزها را حقیقت و یا آرمان خود می‌پندارد و آن را راهنما قرار می‌دهد. کاری که کاملن انجام می‌دهد و تا پای جان به آرمان خودساختهٔ خود وفادار می‌ماند.بدین‌سان آرمانی‌کردن واقعیت، آن‌گونه‌که همگان می‌پندارند، کسر و کاهش چیزهای بی‌مایه و دست دوم نیست بلکه کار اصلی به ظهور رساندن ماهرانه چیزهای مهمی است که در ذهن وجود دارد، به‌گونه‌ای که دیگر چیزها از نظر دور و حتی ناپدید می‌شوند و تنها همان چیزی که با مهارت ذهن از واقعیت جدا شده آرمانی می‌شود.

بی‌نوشته: ایده بازتاب‌ها در ادبیات و به‌طور کلی هنر تا مدت‌ها ایده‌ای غالب بود که خود را به‌صورت نظریه‌ای رئالیستی مطرح می‌کرد. در این نظریه ذهن مؤلف همواره به‌دنبال آن است که چیزی را کشف کند تا آن را بازتاب دهد. در این حالت ذهن هنرمند در موقعیت «کش‌پذیری» قرار می‌گیرد و هنرمند در مقامی پایین‌تر از واقعیت قرار می‌گیرد، در حالی که واقعیت، زیبایی و… چیزی نیست که کشف شود بلکه چیزی است که ساخته می‌شود. همچنان‌که آرمان‌ها کشف نمی‌شوند، آنها نیز ساخته می‌شوند. شخص -هنرمند- با سرشاری خود اشیا را تغییر می‌دهد تا این بازتاب خود شی بلکه بازتاب ذهن سراسر خودش باشد.

از این‌روست که قرن‌های شانزدهم و هفدهم را «دوران اولیه اسپانیای مدرن» می‌نامند. «اسپانیا سرزمینی غیرصنعتی بود که اقتصادش برپایه کشاورزی قرار داشت و مباحث‌اش از طبقات مختلف تشکیل می‌شد. در طول این سیزصدوپنجاه سال، زندگی در چنین سرزمینی به چه چیز شباهت داشت؟ اسپانیا درواقع، از بقیهٔ اروپا جدا افتاده بود، از نواحی گوناگونی شکل گرفته بود که تفاوت سیاسی بسیاری با هم داشتند؛ و دولت مستقر در مادرید می‌کوشید این مناطق متفاوت را یکپارچه کند… اسپانیایی‌ها ملتی بودند شکوفا و رو به رشد که سعی داشتند به هر وسیله‌ای که شده، تفاوت‌های نژادی و فرهنگی میان خویش را از بین ببرند؛ اما در همان حال، امپراتوری‌ای جهانی به وجود آوردند که خورشید در آن غروب نمی‌کرد ولی سرانجام، تکه تکه و متلاشی شد. در این سرزمین، کلیسایی نیرومند وجود داشت که در صدد بود وحدت مذهبی پدید آورد و برای رسیدن به این وحدت، کاملا آماده بود که سایر چیزها را فدا کند. در طول این سه و نیم قرن، دیوان تفتیش عقاید چنگال‌های متعدد و آرمند خود را در سراسر اسپانیا گسترانید و بازجویی‌ها و اعداماتش، اندک‌اندک، ترس و وحشتی ژرف در دل جمعیت این کشور آفريد». اندرسون از ساختار کلی جامعه

مروری بررمان «حالا دقیقا نیمه شب است»

سرنوشتی که شلاق می‌زند

محمد معین شرفانی : «حالا دقیقا نیمه‌شب است»، رمانی با موضوع

تاریخی و زیربلا‌های عمیق اجتماعی و سیاسی است. شخصیت‌های این رمان هرگندام از واقعاتی تاریخی زخم خورده‌اند. این زخم تازه است و هر بار با مرور گذشته جرم می‌کند و سربازی می‌کند. شخصیت‌ها همه اشاره به یک واقعه تاریخی یکان در گذشته دارند و هرکدام از آنها بعدی از این واقعه را هویدا می‌کنند. عنوان کتاب اشاره به عملیات آژاکس و کودتای بیست‌وهشتم مراد دارد و این همان کلیدی است که از ابتدا با تعلیق درست و کشش به‌موقع ما را به سرخ‌هایی می‌رساند که در نهایت در ذهن مخاطب به کشف لایه‌های زیرین رمان می‌انجامد.

ساختاررمان

رمان با یک جمله/شعر از تارکوفسکی کارگردان شهیر شوروی سابق، آغاز می‌شود؛ «آنگاه که سرنوشت در بی ما بود؛ چونان مردی دیوانه، تیغ به دست»، در همین ابتدا اشاره نویسنده، ذهن مخاطب را به سمت مجازات یا مفهومی از این دست می‌برد. یوسف‌پور با تضمین این شعر از تارکوفسکی، ما را پیوند می‌زند به فیلم «سولاریس» یا فیلم «ایثار» یا دیگر آثار او. اما این ارجاع باسهم‌ای نیست و تقلیدی هم در کار نیست. ورود به جهان تارکوفسکی و اینکه نویسنده از طریق ارجاع به او، نه فقط به‌عنوان یک کارگردان بلکه به‌عنوان یک متفکر، دیدی به خواننده می‌دهد، کاری هوشمندانه از جانب نویسنده است. اما از جاقویی دولبه است و مخاطب باید مراقب باشد که از ارجاع از طریق این ارجاع به دام تئوری‌های متفکری که به او ارجاع داده شده نبیند. دید و جهت‌داندی این‌گونه، صرفا می‌تواند لذت خواندن را افزایش بدهد.

در ابتدای رمان با پسری مواجهیم که در رینگ بوکس شکست خورده و با توصیف شکست، اضمحلال را روایت می‌کند. نویسنده با بهره‌گیری از فضاسازی و شکل‌تعریف بی‌رای می‌زیربلا‌های مرتبطی می‌چیند و کدهایی می‌دهد که مخاطب باید آنها را در ذهن داشته باشد. یکی از این کدها چهارشنبه‌سوری است. می‌دانیم که چهارشنبه‌سوری یکی از جشن‌های ایرانی است که از غروب آخرین سه‌شنبه ماه اسفند، تا پس از نیمه‌شب آخرین چهارشنبه‌سال، برگزار می‌شود و پرافروختن و پریدن از روی آتش مشخصه اصلی آن است و بر اساس روایت‌ها مختلف، به پایان رساندن بدی‌ها و مسوئالتن ارکان بد زندگی پیش از سال جدید آیین این رسم است. جشن و سرور برای به پایان رساندن سال کثونی از دیگر برداشت‌های این آیین است. نویسنده با اشاره‌ای درست و به‌جا قصه را پیوند می‌زند به آیین چهارشنبه‌سوری که بیرون از ساختمان محل زندگی شخصیت‌ها در حال برگزاری است؛ حتی مدت روایت این رمان درست به‌قاعده همین آیین چهارشنبه‌سوری است.

قصه اصلی مرتضی دربار پدر اوست. پدري که به جرم تودهای بودن در حوالی تاریخ کودتای زندانی می‌شود و بعد درحالی‌که توسط مأموران با قطار دارد به زندان می‌رود، روی پل روسک، تصمیم به فرار می‌گیرد، اما پایین می‌افتد می‌میرد. قصه شخصیت بعدی درباره پیرمردی کهن‌سال است به نام علیرضا است که در طبقه اول ساختمان زندگی می‌کند و شباهت ظاهری با ویگن خواننده دارد. او و همسرش، مهتاب، زخم‌خورده کودتای بیست‌وهشتم مردادماه هستند. در روز بیست‌وهشتم مراد

سخن می‌گوید که با سرعتی اندک رو به تحول می‌رفت و در طول این دوره سیزصدوپنجاه ساله، بسیاری از بخش‌های جامعه تقریبا بدون تغییر باقی ماندند. «طبقه کشاورز نمی‌توانست سطح زندگی‌اش را به سرعت بهبود بخشد؛ طبقات فرادست ثروت کشور را تحت کنترل خود گرفته بودند و پادشاه و نهادهای وابسته‌اش نیز، در مسائل دادگستری و

سیاست خارجی، بالاترین مرجعت را داشتند. کلیسای کاتولیک رومی که نهادی نیرومند بود و درباره همه چیز اظهار عقیده می‌کرد، در این مورد نیز تصمیم می‌گرفت که مردم چگونه رفتار کنند و چگونه بیندیشند… این بازوی اجرایی همانا نهاد مقدس دیوان تفتیش عقاید بود که در تاریخ بشریت، از نهادهایی است که سایه‌ای تاریک و درازمت بر آرمان‌های بشردوستانه افکند.»

زندگی روزمره در اسپانیای دوره تفتیش عقاید، جیمز ام

اندرسون، ترجمه سعید درودی، نشر نگاه



سی‌ودو، درحالی‌که همراهان دکتر مصدق دارند او را از مخصمه دور می‌کنند، پشت‌بام به پشت‌بام می‌روند و از قضا سر از خانه علیرضا و مهتاب درمی‌آورند. رودت دکتر مصدق به خانه آن دو جوان با شوق از سوی آنها پذیرفته می‌شود. علیرضای اکنون نودساله هنوز عکس دکتر مصدق را به دیوار خانه‌اش دارد و ارادتمند اوست. یک هفته بعد از کودتا یک نفر راپورت علیرضا را به مأموران می‌دهد که این زن و شوهر روز کودتا به دکتر مصدق و یارانش پناه داده‌اند. نیروهای حکومتی به خانه‌شان می‌زنند و علیرضا را دستگیر می‌کنند و مهتاب هم توسط یکی از نیروهای شاه از روی پله به پایین پرت می‌شود و فلج می‌شود.

قصه شخصیت بعدی درباره رنی پایه‌سن گذاشته و جاق به نام صدف است که در طبقه دوم ساختمان زندگی می‌کند. داوود، شوهر صدف، عضو چریک‌های فدایی خلق بوده و توسط مأمورین ساواک کشته شده است. حالا بعد از چند سال شخصی به اسم جهانگیر آمده است تا انتقام رقیفش را بگیرد. او معتقد است علت مرگ داوود، همسرش است و حالا دارد به همان شکل که داوود را کشته‌اند، صدف را مجازات می‌کند. هر سه روایت به موازات هم در حال پیش‌رفتنند. قصه‌ها همه به صورت زوال‌تایم بیش می‌روند و به نوبت مابین طبقه‌ها چرخیده می‌شوند. از نکات مهم این رمان توجه به جزئیات است. این جزئی‌نگری در لایه‌های قصه‌ها خود را نشان می‌دهد. نویسنده تلاش کرده پیرنگ پیچیده را به شکلی ساده گسترش بدهد و همه نکات مهم و کدینگ کل در جای درست قرار بدهد. بنابراین هر سه روایت تا فصل پایانی صورانه پیش می‌روند.



به واسطه فرم این رمان به تکنیک‌های نویسنده باید توجه

شود. رمان فرم مدرن دارد و نباید به راحتی از جزئیات مورد

توجه نویسنده گذشت. از شاخصه‌های مهم روایت‌های مدرن می‌توان به این دو مورد مهم اشاره کرد: یکم) برجسته‌شدن

شخصیت دوم) پیرنگ حذفی و استعاری
این شاخصه‌ها با در نظر گرفتن ایجاز به شاخصه‌های مدرن داستان کوتاه تبدیل می‌شود و اگر قصه توالی پیدا کند، تبدیل به رمان یا نولوا می‌شود. در رمان «حالا دقیقا نیمه‌شب است» شاخصه‌های داستان مدرن به‌خوبی اجرا شده است. از مهم‌ترین این شاخصه‌ها که در بزرگ‌رند امیرسینویسیم با همان تأثیرپذیری است، پیرنگ حذفی و استعاری استعاره و مجاز است. رعایت پیرنگ حذفی و استعاری در این رمان سبب شده است که توجه به تاریخ و دوران کودتا زیر سایه قصه‌های دیگر نرود. ما در مورد شخصیت مرتضی با توجه به نکته‌های تاریخی و دستگیری پدر او پیش می‌رویم با در شخصیت‌های علیرضا و مهتاب با در نظر گرفتن روابطتک‌بودن و نقطه‌های اوج بی‌درنی این پیش می‌رویم و طبعاً در روایت‌های صدف هم این شاخصه شانه‌به‌شانه چریک‌های فدایی و داوود پیش می‌رود. با توجه به این شاخصه که تأثیرپذیری از تاریخ را نشان می‌دهد، می‌توان یک نوع امیرسینویسیم تاریخی را از این رمان استنباط کرد. در هیچ‌کدام از روایت‌ها قصه اضافی وجود ندارد و هرچه بیان می‌شود، چه به صورت فلاش‌بک، چه در زمان حال، به همان کلیت وقوع تاریخ برمی‌گردد.

حالا دقیقا نیمه‌شب است، بهنام یوسف‌پور، نشر اختران

برگ سبز خودرو پژو ۴۰۵ جی ال ایکس مدل ۱۳۸۶
به شماره پلاک ایران ۴۰-۷۹۷۷ق ۸۱
شماره موتور ۳۷۳۲۶۳۷۲۶۸۵۲۴۱
شماره شناسی ۴۰۲۰۰۶۴۷
بنام علی اصغر کیوانلو شهرستانکی مفقود گردیده
واز درجه اعتبار ساقط می باشد

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی حوزه ثبتی سوادکوه شمالی
نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۰۹/۱۳، املاک متقاضیانی که در هیات موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی سوادکوه شمالی مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه و بلا معارض آنان محرز و رای لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل آگهی می گردد : <p>املاک متقاضیان واقع در قریه زیولا پلاک ۱۳۳۲ فرعی ۱۱۰ - اصلی بخش سواد کوه شمالی و مالکیت فرشته فتح اله نیا نسبت به ۳۰دانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت، ۴۶/۳۹ متر مربع خریداری بدون واسطه از خانم مروارید رایز مالک رسمی الذا به موجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ آئین نامه مربوطه این آگهی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق آیین روزنامه محلی و کثیرالانتشار در شهرها منتشر و در روستاها علاوه بر انتشار آگهی، رای هیات الصاق تا در صورتیکه اشخاص ذینفع به آرای اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین آگهی و در روستاها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماهه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند. معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض معادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید و گواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل تحویل دهد که در این صورت اقدامات ثبت موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است و در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نکرده یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت معادرت به صدور سند مالکیت می نماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متصرر به دادگاه نیست. بدیهی است برابر ماده ۱۳ آئین نامه مذکور در مورد قسمتی از املاکی که قبلا اظهار نامه ثبتی پذیرفته نشده، واحد ثبتی با رای هیات پس از تنظیم اظهارنامه حاوی تعیین حدود، مراتب را در اولین آگهی نوبتی و تحدید حدود به صورت همزمان بااطاع عموم می رساند و نسبت به املاک در جریان ثبت و فاقد سابقه تحدید حدود، واحد ثبتی آگهی تحدید حدود را به صورت اختصامی منتشر می نماید. م الف ۱۹۹۴ ۱۳۰</p>
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۱/۱۲/۲۷ تا تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۱/۲/۱۵

آگهی فقدان سند مالکیت
نظر به اینکه سند مالکیت ششدانگ یکدستگاه آپارتمان مسکونی واقع در سمت جنوبی طبقه اول بمساحت ۷۰۰۲۱ متر مربع قطعه ۲ تفکیکی به پلاک ۲۴۸۹ فرعی از ۴۴۷۴ اصلی مفروز مجزی شده از ۳۷ فرعی از اصلی مذکور واقع در بخش ۷ تهران بنام رحمت اله حیدری فرزند علی بشماره چاپی ۲۲۸۹۹۷ سری هـ سال ۹۱ که در صفحه ۱۵۸دفتر املاک جلد ۳۳۳۳ ذیل شماره ۵۱۷۳۳۰ ثبت صادر و تسلیم گردیده است .سپس مالک تقاضای المثنی نسبت به سند مفقودی مذکور را نموده است که استشهدایه بامضا شهود رسیده که طی شماره ۱۴۷۹۷ مورخ ۱۴۰۰/۱۲/۱۶ دفترخانه ۷۶۹ تهران گواهی امضا گردید مدعی است که اصل سند مالکیت به علت اثاث کشی مفقود گردیده است و تقاضای صدور المثنی سند مالکیت ملک مذکور را نموده لذا مراتب بااستناد ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت در یک نوبت آگهی میشود تا چنانچه کسی مدعی انجام معامله نسبت و یا در اختیار داشتن سند مالکیت نزد خود میباشد ظرف مدت ۱۰ روز از انتشار این آگهی به این منطقه مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت اقدام نماید بدیهی است در این صورت پس از تنظیم صورت مجلس اصل سند مالکیت به ارائه کننده مسترد خواهد شد و پس از انقضامدت مذکور و عدم هرگونه اعتراض این منطقه نسبت به صدور المثنی سند مالکیت اقدام خواهد نمود.
م الف ۱۰۱۳۶ر رئیس ثبت اسناد و املاک خاوران



نادر شهریوری (صدقی)

اسلاف خود که جامعه و آدم‌های پیرامون را با جزئیات «بازتاب» می‌دادند، بازتاب را به بازتاب تقلیل نمی‌دهد و ترجیح می‌دهد که داستان‌های خود را با ایده‌ای فلسفی که چاشنی آن «شک‌آوری» است همراه کند. «بازتاب» مقوله‌ای قابل‌تأمل در سیر تحول رمان است. مقوله‌ای که گرچه سلطنتی طولانی کرد اما سرانجام در سراسیمبی سقوط قرار گرفت. در سبیر تطور رمان نقطه‌ای آغاز می‌شود که رمان‌نویس برخلاف پیشینیان خود «ارزش‌گذاری» نمی‌کند و این آن‌هنگام است که رئالیسم اولیه از رمانتیسیم فاصله می‌گیرد، رمانتیسیم اگرچه در اشکال و حالت‌های مختلف ظاهر می‌شود اما وجه مشترک‌شان حضور و دآوری‌کردن است، این کار با دخالت نویسنده و سرایت‌دادن نیت خود به صحنه‌های رمان انجام می‌شود. نیت مؤلف در رمانتیسیم معمولاً به «همه‌چیز» یا «هیچ چیز» منتهی می‌شود، در رمان «بیبوانیا» نیت آن می‌شود که همه‌چیز به خوشی پایان پذیرد و حتی صدق‌فرمانی همچون زاور نیز در نهایت غایت‌به‌خیر شود. نویسنده در رمانتیسیم به‌واسطه آزادی عمل خود را مجاز به هر کاری می‌داند تا آنجا که حتی می‌تواند موقعیت‌های ترازنگ را به‌صورتی غیرترازنگ حل‌فصل کند، ایده پایان خوش در اساس ایده‌ای رمانتیک و ناشی از نیت خیر مؤلف است. با ورود بالزاک به عرصه ادبیات «بازتاب» یکتازت میدان می‌شود و از آن پس صحنه رمان تا مدت زمان